

مقاله پژوهشی: ارکان جهت ساز نظام قانونگذاری در گفتمان ولایت فقیه

ارسطو توحیدی^۱ و عبدالرضا فاضلی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۴

چکیده

قانونگذاری از مهم‌ترین مسائل و موضوعات راهبردی در مدیریت کلان همه نظام‌های سیاسی از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران است. بدیهی است قانونگذاری در هر کشوری بر پایه مبانی و ارزش‌های اساسی و ارکان جهت سازی که عمدتاً ریشه در اندیشه رهبران و قانون اساسی کشور دارد، انجام می‌شود. براین اساس هدف این تحقیق تبیین ارکان جهت ساز (اهداف، دکترین‌ها و سیاست‌های کلی) نظام قانونگذاری کشورمان بر پایه گفتمان ولایت فقیه (امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری) است. روش تحقیق مورد استفاده توصیفی - تحلیلی و تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش تحلیل محتوای کیفی با جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای از جامعه آماری شامل کلیه اسناد در دسترس حاوی رهنمودها و فرمایشات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به انجام شده است.

نتایج تحقیق مهم‌ترین ارکان جهت ساز مورد نظر را به شرح زیر نشان می‌دهد:

اهداف: بسط شریعت اسلام، برقراری و گسترش عدالت در جامعه، حفظ و تداوم ارزش‌های انقلاب، انسان سازی و حفظ و توسعه هنجارها و سرمایه‌های اجتماعی و فضایل اخلاقی، تأمین حقوق اساسی و مطالبات مشروع مردم، ارائه الگوی نوین قانونگذاری مبتنی بر اسلام ناب محمدی (ص) به جهان.

دکترین‌ها: حاکمیت قانون خدا، قانونگذاری بر مبنای شریعت اسلام ناب محمدی (ص)، پابندی به اصل ولایت فقیه، مردمسالاری دینی، عدالت همه جانبه، کرامت و کمال انسان، پابندی به قانون اساسی، اهمیت دادن به فضایل اخلاقی، بها دادن به دانش بشری و نظرات کارشناسی.

سیاست‌ها: توجه ویژه به موازین اسلام ناب محمدی (ص)، تکیه بر اندیشه ولایت فقیه و حمایت از آن در وضع قوانین، انطباق قوانین عادی با قانون اساسی و پیاده سازی بهینه آن، اولویت دادن به منافع انقلاب و نظام و مردم، رعایت ویژگی‌های قانون خوب، تکیه بر وحدت کلمه و انسجام ملی و استمرار انقلاب، قانونگذاری با رویکرد خودکنترلی و بها دادن به فضایل انسانی، اهمیت دادن به نظارت مستمر و کارآمد و اثربخش بر اجرای قوانین.

کلید واژه‌ها: ارکان جهت ساز، قانونگذاری، گفتمان ولایت فقیه، اهداف، دکترین‌ها، سیاست‌ها

مقدمه

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

۲. دانش آموخته دکتری رشته مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، نویسنده مسئول (r_fazeli@yahoo.com)

پرسش از چیستی، چرایی و اهمیت قانون، پرسشی دیرین است. این پرسش تا آنجا که به حافظه نوشتاری بشر مربوط می‌شود، یکی از مهم‌ترین اندیشه‌ورزی‌ها و تلاش‌های علمی او بوده است. ازسوی دیگر درآمیختگی حیات اجتماعی انسان با مقوله قانون، حیات اجتماعی قانون را مطلوب ساخته و اذهان تیزبین و ژرف‌اندیش را بر آن داشته تا پاسخی درخور و مناسب به پرسش یاد شده بدهند.

پرسش بعدی در این خصوص، نظام قانونگذاری و اهمیت و ضرورت آن است. هرچند نظام قانونگذاری در سیر تحول و تکامل خود فرازونشیب‌های فراوانی را به‌خود دیده، اما همچنان اهمیت و نقش اساسی خود را به‌عنوان نهاد حقوقی و سیاسی مهم و تأثیرگذار حفظ کرده و گسترش داده است. به‌علاوه تنوع و پیچیدگی مسائل در جوامع امروز، قانونگذاری را به امری پیچیده و چندوجهی تبدیل کرده است؛ چرا که با توسعه جوامع، مسائل و نیازهای انسانی نیز تغییر یافته و به‌طور طبیعی نظام قانونگذاری باید امکان حل و فصل آنها را فراهم کند.

بر این اساس قانون و نظام قانونگذاری واقعیت‌هایی مهم در جوامع انسانی‌اند که تأثیرات شگرف و عمیقی بر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و ذی‌نفع مرتبط با خود در جوامع، نظام‌های سیاسی و کشورها می‌گذارند. پس باید اطمینان حاصل شود که سیاست‌های متخذ و قوانین مصوب و اجرای آنها منطقی، شفاف، قابل اجرا و قادر به تأمین اهداف و تأثیرات مورد نظر است و این همه تنها از طریق یک نظام قانونگذاری مناسب و مطلوب امکان‌پذیر خواهد بود، تا هم قانون‌گرایی را ترویج و گسترش دهد و هم از قانون‌گریزی به نحو شایسته جلوگیری نماید. این امر می‌تواند نظام سیاسی را در یافتن و ارائه الگوی راهبردی برای اداره امور نظام قانونگذاری خویش یاری کرده و مقدمات ارائه الگو در سایر نظامات حکومتی و اداره امور را فراهم و تسهیل نماید.

بدیهی است یک نظام قانونگذاری بهینه نظامی است که بر پایه ارکان جهت‌ساز مبتنی بر مبانی و ارزش‌های اساسی کشور شکل بگیرد. در نظام جمهوری اسلامی ایران که بر پایه اسلام ناب محمدی (ص) شکل گرفته، گفتمان ولایت فقیه تجلی بخش مبانی و ارزش‌های اسلامی و انقلابی هستند که نظام را در همه ابعاد شکل می‌دهد، لذا شناخت ارکان جهت

ساز نظام قانونگذاری در گفتمان پیش گفته ضرورت دارد. بنابراین مسئله و دغدغه محقق روشن کردن ارکان جهت ساز (اهداف، دکترین‌ها و سیاست‌ها) نظام قانونگذاری است و محقق تلاش می‌کند در این مقاله آنها را تبیین نماید.

اهمیت این تحقیق از آن جهت است که تلاش می‌کند از حیث نظری ادبیات قانونگذاری را در کشورمان توسعه دهد و از جهت عملی، دست‌اندرکاران امر قانونگذاری را در بهبود روند آن یاری نماید.

ضرورت این تحقیق هم در آن است که اگر ارکان جهت ساز نظام قانونگذاری مبتنی بر گفتمان ولایت فقیه (که تجلی بخش مبانی و ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است) به روشی علمی تبیین نشوند، احتمالاً امور قانونگذاری کشور به نحوی که شایسته نظام است، انجام نخواهد شد.

هدف این تحقیق عبارت است از: تبیین ارکان جهت ساز (اهداف، دکترین‌ها و سیاست‌های کلی) نظام قانونگذاری بر پایه گفتمان ولایت فقیه (امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری)

سؤال‌های تحقیق عبارتند از:

- ۱- اهداف نظام قانونگذاری کشور بر پایه گفتمان ولایت فقیه کدامند؟
- ۲- دکترین‌های نظام قانونگذاری کشور بر پایه گفتمان ولایت فقیه کدامند؟
- ۳- سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری کشور بر پایه گفتمان ولایت فقیه کدامند؟

۱. پیشینه و مبانی نظری

۱-۱. پیشینه تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد که درخصوص موضوع قانونگذاری اگرچه مطالعات پراکنده‌ای صورت گرفته، اما با وجود اهمیت این موضوع، این مطالعات کم‌شمار بوده و از جامعیت و مانعیت برخوردار نیست. البته همین مطالعات کم‌تعداد هم فاصله میان وضع مطلوب و وضع موجود را زیاد می‌دانند، و البته به اتفاق معتقدند که توجه به آموزه‌های دینی و نیز

تمرکز بر قانون اساسی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای می‌تواند این فاصله را کاهش دهد. از جمله تحقیقات و مقالات مرتبط عبارتند از:

محمد راسخ در تحقیق خود با عنوان «بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری» که در دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۴ انجام شده، در پاسخ به این سؤال‌ها: قانون و مبنا و منبع آن چیست؟ هدف از قانونگذاری کدام است؟ مرجع صالح قانونگذاری کیست؟ می‌نویسد: پاسخ به سؤال‌های تحقیق با مراجعه به سه گروه از متفکران غربی، اسلامی و ایرانی اگرچه در برخی مقوله‌ها هم‌پوشانی دارند، اما خاستگاه هر کدام متفاوت است و هر نظریه و دستگاه فکری می‌تواند به‌منزله یک نظام قانونی و ساختار نظام قانونگذاری در یک کشور عمل نماید (راسخ، ۱۳۸۴).

علی شیرخانی هم در مقاله‌ای با عنوان «قانون و قانونگذاری در منظومه فکری امام خمینی (ره)» که در مجله مطالعات سیاسی (سال دوم، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۹) منتشر شده، در پاسخ به سؤال قانون و قانونگذاری در منظومه فکری امام خمینی (ره) چه ویژگی‌هایی دارد؟ نتیجه گرفته است که قانون و قانونگذاری در منظومه فکری امام خمینی (ره) که برآمده از اندیشه ناب الهی، اسلامی و شیعی است، می‌تواند در این محورها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد: معنا و مفهوم قانون، واضع قانون، قانون الهی و فطرت انسانی، عدم نسخ قانون الهی، غایات وضع قانون الهی، و فقه و قانونگذاری فقهی (شیرخانی: ۱۳۸۹).

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. نظام قانونگذاری

نظام در لغت (در فرهنگ معین) به معنی آراستن، نظم دادن، مرتب کردن است و در اصطلاح هم مترادف سیستم (سامانه) مجموعه منظمی از عناصر وابسته است که برای رسیدن به اهداف مشترکی با هم در تعاملند (ذاکری، ۱۳۷۹: ۲۷).

می‌توان گفت نظام مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته است که به صورت منظم هر یک در مرتبه خود قرار گرفته‌اند و کلی پیچیده و سازمان یافته را از منابع مادی و انسانی

شکل می‌دهد که با وحدت نظر به منظور انجام یک هدف مشترک و یک سلسله امور با وظایف خاص با یکدیگر ارتباط و بستگی متقابل دارند.

قانون در لغت نامه دهخدا به معنای اصل (برهان)، امری کلی است که بر همه جزئیاتش منطبق گردد و احکام و جزئیات از آن شناخته شود، قاعده، ناموس، دستور، حکم اجباری که از دستگاه حکومت مقتدر مملکتی صدور یابد و مبنی و متکی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با طبیعت انسان باشد و بدون استثنا شامل همه افراد آن مملکت گردد و اغراض مستبدانه اشخاص را در آن دخالتی نباشد، طریقه، منوال، روش، آئین و شریعت، آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۱۷۳۹۵).

قانونگذار هم به معنای مقنن و آنکه قانون وضع کند، و قانونگذاری به معنای عمل قانونگذار و وضع کردن قانون است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۱۷۴۱۵).

واژه قانونگذاری (تقنین) واژه‌ای مبهم است؛ چراکه از یک سو به «فرایند تقنین» (که از اجزای مختلف و پیچیده‌ای تشکیل شده است)، و از سوی دیگر به نتیجه فرایند تقنین یعنی قانون اطلاق می‌شود. (فلورز، ۱۳۹۰: ۲۳). بدین ترتیب بررسی و تحلیل قانون و قانونگذاری در هم تنیده و مرتبط است، به نحوی که به‌عنوان نمونه، بحث از ویژگی‌های قانون تبعاً پیوستگی نزدیکی با ویژگی‌های قانونگذاری و برعکس دارد.

از منظری دیگر اگر نظام را مجموعه قوانین، قواعد، سنن یا نوامیسی که قوام و انتظام چیزی بر آن نهاده شده است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۸: ۷۸۵۳) بدانیم، در این صورت؛ نظام قانونگذاری، چارچوب و مجموعه قواعدی است که در آن فرایند قانونگذاری صورت می‌گیرد؛ فرایندی که طی آن مجموعه قواعد و مقررات یک کشور مطابق به تشریفات رسمی و قانونی توسط نهادهای صلاحیت‌دار (قوه مقننه) وفق قانون اساسی وضع می‌شود و هدف آن تنظیم روابط اجتماعی و برقراری عدالت و حل و فصل مشکلات و معضلات اجتماعی است (زارعی، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۰).

در این میان هم مکاتب مختلف فلسفی و هم مکاتب دینی و سیاسی، ادبیات مربوط به نظم و نظام، قانون و قانونگذاری و نیز نظام قانونگذاری را از منظر خود تعریف و تبیین کرده‌اند، که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

یکی از صاحب‌نظران به تفکیک دو مفهوم برای واژه انگلیسی Legislation دو معنای «نوع خاصی از قانونگذاری» و «نوع خاصی از قانون» را برای این واژه تبیین کرده است. در معنای اول، تقنین فرایندی پیچیده است که به موجب آن یک مقام یا گروهی از مقامات، مجموعه‌ای پیوسته از مقررات را بر مبنای فرایندها و تشریفات رسمی تصویب می‌کنند که در نهایت به قوانینی لازم‌الاجرا بدل می‌شود، اما در معنای دوم به مجموعه‌ای از مقررات و اصول مدون اطلاق می‌شود که از پیش و به‌طور عام مشخص می‌کند چه چیزی قانونی و چه چیزی غیرقانونی است. Legislation در این معنا از تصمیماتی که تابعان قانون حین اجرای آن اصول و مقررات اتخاذ می‌کنند، حتی آرا و تصمیمات دادگاه‌ها در نظام‌های حقوق عرفی متمایز است (کمپبل، ۱۳۸۶: ۲۳۱-۲۳۲).

درواقع یکی از دغدغه‌های اصلی برای ارائه تعاریف دوگانه از اصطلاح مورد بحث (نوع خاصی از قانونگذاری و نوع خاصی از قانون)، ایجاد تمایزی روشن بین تقنین و قضاوت با دقت در ظرایف مفهومی آن بوده است، به این ترتیب که اصطلاح Law-making برای قانونگذاری به معنای عام (یعنی هر نوع مقررات‌گذاری توسط قوای سه‌گانه) و اصطلاح Legislation صرفاً برای قانونگذاری به معنای خاص (توسط قوه مقننه) به کار رفته است.

با توجه به مفاهیم و تعاریف گفته شده، به‌طور خلاصه می‌توان تعریف جرمی والد رون از قانونگذاری را تعریفی به نسبت دقیق و مختصر دانست: «قانونگذاری عملی است که قوانین طی فرایندهای تشریفاتی که به صراحت به این منظور اختصاص یافته، به‌طور ارادی ایجاد شده یا تغییر یافته و ملغی می‌شوند (Waldron, ۲۰۰۶: ۱۳۸).

بنابراین نظام قانونگذاری را در جمهوری اسلامی ایران می‌توان این‌طور تعریف کرد: مجموعه عناصر و اجزای متعامل شامل ارگان‌ها، نهادها، تشکیلات، مقامات، فرایندها و شیوه‌های نظم یافته‌ای که در تدوین و تنظیم قوانین و مقررات رسمی کشور به‌نحوی از انحاء دخالت داشته و برابر ارزش‌ها و مبانی دین مبین اسلام ناب محمدی (ص) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده‌اند.

۲-۲. اهداف قانونگذاری

هدف در لغت، به معنای (نشانه) و (غرض) است، اما در اصطلاح، چیزی است که شخص قبل از عمل، آن را در نظر می‌گیرد و نیروی خویش و وسایل لازم را برای وصول به آن به کار می‌برد و غرضش دستیابی و رسیدن به آن است. در تعریف هدف باید گفت: عبارت از «نتیجه‌ای است که رسیدن به آن مورد نظر باشد». از این رو هر برنامه‌ریزی با تشخیص و تجزیه و تحلیل هدف‌های سازمان شروع می‌شود و به دنبال آن اقدامات بعدی صورت می‌گیرد و همان طور که گفته شد سازمان برای رسیدن به آن هدف به وجود آمده است (قرائی مقدم، ۱۳۸۲: ۶۲).

اهداف سازمان مقاصدی هستند که سیستم مدیریت سازمان در جهت آنها حرکت می‌کند. (داوری و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۵). هدف سازمان نوعی وضعیت مطلوب است که سازمان قصد رسیدن به آن را دارد (دفت، ۱۳۸۰: ۷۸). هدف عبارت است از نتیجه‌های خاصی که سازمان می‌کوشد در تامین مأموریت خود به آنها دست یابد (دیوید، ۱۳۷۹).

ویژگی‌های اهداف از نظر ایران نژاد هدف‌ها باید: ۱. مبتنی بر واقعیات و دست‌یافتنی باشند. ۲. مشخص و قابل سنجش باشند. ۳. دارای محدودیت زمانی باشند و محدودیت زمانی برای آنها تعیین شود. ۴. در تعیین آنها باید به نتایج نظر داشت و توجه باید همواره معطوف به نتایج و مقاصد باشد. ۵. باید از راه مشارکت تعیین شود تا اجرای آنها راحت‌تر و بدون مقاومت باشد (ایران نژاد، ۱۳۷۳: ۱۵۱).

از دید حسن بیگی هدف‌ها باید دارای یازده ویژگی: ۱. مشخص، خاص و ویژه بودن، ۲. قابل اندازه‌گیری، ۳. قابل دستیابی، ۴. سازگار با مأموریت و مرتبط با دیگر اهداف، ۵. زمان پذیر، ۶. واقعی و غیر ذهنی، ۷. کاربردی، ۸. قابل فهم، ۹. انعطاف پذیر، ۱۰. دارای توان ایجاد یکپارچگی، ۱۱. کاربردی و اجرایی باشند (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

ره پیک از دید مدیریت راهبردی ویژگی‌های اهداف ملی را به صورت زیر بیان می‌کند:

(۱) کلی بودن: از نظر سطح ملی، این دسته از اهداف تا حد قابل قبولی کلی هستند.

(۲) قابلیت زمان بندی: اهداف ملی در عین کلی بودن در حد کافی زمان پذیری دارند یعنی می‌توان آنها را در طول زمان تقسیم بندی نمود و امکان ارتباط آنها با اهداف خرد هم وجود دارد.

- ۳) **کمیت پذیری و قابلیت اندازه گیری:** اگر در اهداف ملی تغییر از وضع موجود به وضع مطلوب با رقم و عدد قابل محاسبه نباشد، نمی توان اهداف تعیین شده را ملی نامید.
- ۴) **شفاف بودن:** اهداف ملی هر چند کلی هستند اما باید به قدر کافی روشن و مفهوم باشند که بخش های پایین تر بتوانند خود را در حد کافی با آن هماهنگ کنند.
- ۵) **قابلیت تحقق:** اهداف باید به نحوی تدوین شوند که اشخاص و متخصصان مستقل به طور منطقی آنها را واقعی و قابل دسترسی بدانند.
- ۶) **فراگیری و انسجام:** اهداف ملی مجموعه ای از اهداف گوناگون است که وجه مشترک آنها ملی بودن است (ره پیک، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

هدفگذاری عبارت است از بیان نتایج مورد انتظار (شامل کار مشخص و قابل اندازه گیری) در محدوده زمانی خاص و با هزینه ای معین. منظور از هدفگذاری، تفکیک مأموریت ها یا اهداف دوربرد به اهداف کمی و کیفی کوتاه مدت است که برای یک واحد و سرانجام یک فرد شاغل قابل اجرا باشد (رضائیان، ۱۳۸۴: ۱۱۲). به عبارت دیگر نتیجه نهایی فعالیت های برنامه ریزی شده است و بیان می کند که چه چیزی در چه زمانی انجام شود. به عبارت دیگر هدف بیان کلی و سنجش پذیر مقاصدی است که حوزه کلان فعالیت سازمان را برای تحقق رسالت و چشم انداز آن تعقیب می نماید (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۲۲۱). تعیین هدف یکی از اساسی ترین مراحل در مدیریت است. هدف ها اساس تعیین فعالیت هایی هستند که باید انجام بگیرد و به ایجاد ضوابطی که برای ارزیابی کمی و کیفی فعالیت ها لازم است، کمک می کنند. فرایند هدفگذاری باید متناسب با نیازهای سازمان باشد (کریمزاده، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

بنابراین هدف گذاری مبنایی برای برنامه ریزی، سازماندهی، ایجاد انگیزه و کنترل است و نتایج مورد نظر را مشخص کرده و برای کسب نتایج ایجاد انگیزش می کند، و از طریق تدوین شاخص ها و معیارها، امکان ارزیابی عملکرد و پیشرفت را فراهم می نماید که خود علاوه بر فراهم نمودن امکان بهبود و رشد و تعالی، میزان کارایی و اثر بخشی سازمان را معین می کند.

مدیریت بر مبنای هدف، باعث بهبود در دستیابی به اهداف می شود. اهداف باید علاوه بر تهییج کننده بودن، قابل اجرا و دست یافتنی بوده و متناسب با منابع و امکانات تدوین

گردد. همچنین باید روشن، واضح، مشخص، واقع بینانه، کمی، قابل اندازه گیری و مقید به زمان باشد و به صورت مکتوب و در قالب جملات مثبت بیان شود. هدف مدیریت، باید توأم با بهبود مستمر باشد، نه یک هدف ثابت.

۲-۳. دکترین قانونگذاری

دلاوری نوشته است: «واژه دکترین در زبان لاتین، به معنای آموزه، سیاست، مکتب، آیین و اصول و قواعد پذیرفته شده توسط یک فرد، گروه و یا ملت است. هر نظام فکری، خط‌مشی و فلسفه‌ای که مبنای عمل قرار گیرد، می‌تواند دکترین تلقی شود. در فرهنگ‌نامه‌های لغات و اصطلاحات سیاسی، دکترین، به معانی آیین، اصول عقیده، نظریه، تعلیم، مکتب، اصل سیاسی، نظریه، آموزه، اصول (عقاید) تعلیمات، تعالیم و... به کار رفته است» (دلاوری، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

از نظر منصورنژاد، «دکترین در لغت به اصول، اصول عقیده، تعلیم، آموزه، مکتب و حتی سیاست ترجمه شده و در اصطلاح حداقل در چهار تعریف بیان و مطرح شده است. ۱. اصول و قواعدی که هریک از شاخه‌های علوم و یا میان پیروان یک آیین، مورد تصدیق و اعتقاد باشد. ۲. مجموعه‌ای از عقاید که دستگاهی از نظریات دینی و فلسفی یا سیاسی را تشکیل دهد. ۳. مجموع عقایدی که در باب توجیه، بیان و تفسیر قواعدی از علمای فن اظهار شده است. ۴. اصول یک فلسفه، نظام فکری یا سیاست و خط‌مشی» (منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۱۱).

آقابخشی و همکاران در تعریف دکترین آورده اند: «اصول و قواعدی که در هریک از شاخه‌های علوم و یا در میان پیروان یک آیین مورد تصدیق و اعتقاد باشد» (آقابخشی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

علی بابایی و آقایی در تعریف دکترین نوشته‌اند: «دکترین، نوعی از جهان‌بینی است که برنامه‌های سیاسی براساس آن، پایه و بنیاد گرفته باشد یا مجموعه‌ای از نظام‌های فکری است که بر پایه اصول معینی مبتنی باشد. همچنین به تنظیم اصولی که بر طبق آن، دولت‌ها مشی خود را به‌ویژه در روابط بین‌المللی تعیین می‌کنند، اطلاق می‌گردد» (علی بابایی و آقایی، ۱۳۶۵: ۲۷۰).

از نظر عیسی‌نیا: «دکترین، دارای سه ویژگی است که عبارتند از: ۱) مفاهیم به کار گرفته شده در آن، گویایی کافی را داشته باشد؛ ۲) با واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی، تناسب واقعی داشته باشد؛ ۳) قابلیت به‌کارگیری در شرایط خاص را دارا باشد؛ چراکه نبود هر یک از این عناصر، زمینه و عاملی در تباهی دکترین به شمار می‌آید» (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷: ۷).

بنابر نوشته کالینز، دکترین عبارت است از: «قواعد بنیادی که هدایت‌کننده عملیات در پشتیبانی از سیاست‌های سطوح مختلف می‌باشند. هرچند که این قواعد معتبر هستند، اما نحوه استفاده از آنها به قضاوت صحیح نیازمند است» (کالینز، ۱۳۸۳: ۴۹۱).
محقق دیگری نوشته: «دکترین عبارت است از مجموع آرا و مبادی فلسفی، آموزشی، دینی و... که منسوب به یکی از متفکران یا منسوب به یک از حوزه‌های تحقیقی باشد» (صلیبا، ۱۳۶۶: ۵۸۵).

دکترین به طور عام به معنای نظریه، عقیده، اصول و قواعد، آموزه و آیین است. دکترین شامل مجموعه‌ای از عقاید، نظریه‌ها، اصول و قواعد اساسی و بنیادی است که مورد باور، اعتقاد و حمایت پیروان یک مکتب بوده و معمولاً توسط نظریه پردازان مهم، در شاخه‌های مختلف علوم ابراز می‌شود و راهنما و هادی طراحان و سیاستگذاران و دولتمردان در طرح‌ریزی و مجریان در اجرای عملیات قرار می‌گیرد. دکترین فاقد قدرت قانونی است و به کار بردن آن مستلزم قوه تشخیص و درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی می‌باشد (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۲).

دکترین ملی هم اصول و قواعدی بنیادی و هدایت‌گر است که مبتنی بر فلسفه و آرمان‌های اساسی نظام سیاسی کشور و برپایه اندیشه رهبران و حاکمان کشور در پشتیبانی از سیاست‌ها و منافع ملی تبیین یا تدوین می‌شود و باعث ایجاد همسویی در تصمیم‌گیری و هدایت طرح‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های کلی نظام در راستای وصول به اهداف ملی می‌گردد (توحیدی، ۱۳۸۹: ۶۰).

علیرضا فرشچی در مقاله‌ای تحت عنوان «دکترین، قابلیت مینا» به این مطلب می‌پردازد که دکترین به مثابه قابلیت مبنای درک مشترک عمل می‌کند (فرشچی، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۴).

دکترین به عنوان یک باور، اعتقاد، اندیشه، نظریه و اصل، وحدت و یکپارچگی را در سازمان ایجاد می‌کند و سازمان‌ها با افتخار و ایمان راسخ، فعالیت‌های خود را براساس آن انجام می‌دهند. نقش اصلی دکترین ایجاد زبان واحد، هدف مشترک و وحدت رویه در اقدام‌ها و فعالیت‌های نیروهای مسلح می‌باشد (ثروتی و هکار، ۱۳۸۹: ۳۰).

بنابر تعریف کاربردی که دکتر توحیدی از دکترین دارد، دکترین مجموعه اصول و قواعد بنیادین، معتبر و کاربردی هستند که بر پایه اندیشه رهبران و پیش‌کسوتان و خبرگان یک حوزه مطرح و به باور عمومی تبدیل شده و بکارگیری آنها باعث همسویی، هم‌افزایی و هماهنگی در تصمیم‌گیری، فعالیت‌ها و اقدامات در سلسله مراتب کارگزاران و مجریان امر در آن حوزه می‌شود.

۲-۴. سیاست قانونگذاری

واژه سیاست به «تدبیر امور و مصلحت‌اندیشی و دوراندیشی معنا شده است (لغت‌نامه دهخدا، حرف س، واژه سیاست). و فرهنگ معین، سیاست را به معنای حکم راندن به رعیت و اداره کردن امور داخلی و خارجی کشور و هم‌چنین به معنای داوری، سزا، تنبیه و جزا آمده آورده است (فرهنگ معین، تک جلدی، حرف س، واژه سیاست).

سیاست‌ها چارچوب‌های منطقی‌ای هستند که چگونگی تصمیم‌گیری‌ها را معین می‌کنند. سازمان در فقدان سیاست‌های مناسب از دستیابی به مجموعه تصمیمات هماهنگ در سطح سازمان و در طول زمان محروم می‌ماند. سیاست‌ها از مهم‌ترین عوامل ایجاد سازگاری و هم‌افزایی در سازمان هستند. اجرای یک راهبرد مستلزم پشتیبانی سیاست‌های سازمان است و برای تحقق این امر، قبل از تلاش برای اجرای راهبرد جدید باید سیاست‌های متناسب با آن را در سازمان مستقر کرد (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۳۹۰).

اندرسون این مفهوم را چنین تعریف کرده است: «مجموعه اقدامات هدفمند که بوسیله یک بازیگر و یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شوند» (اندرسون، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

سایت دانشگاه عالی دفاع ملی سیاست را شیوه‌ها، روش‌ها، خط مشی‌ها، رئوس مطالب و راهنمایی‌های لازم برای اداره و هدایت امور، تنظیم روابط و اجرای وظایف در سلسله مراتب مدیریت در جهت رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده تعریف کرده است (دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۹۲).
اشتریان در تعریف سیاستگذاری می‌نویسد: «سیاستگذاری عکس‌العملی است به تقاضاهای روزافزون جامعه و نهادهای عمومی آن از سوی سیاست‌دانان برای حل مشکلات و بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اداری» (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۱).

از نظر الوانی، «سیاستگذاری مجموعه اعمال هدفمندی است که به وسیله بازیگر یا بازیگرانی در رابطه با یک موضوع دنبال شده و از مهمترین ویژگی‌های آن پایداری، آینده‌نگری و واقع‌بینی و نمایان‌گری است» (الوانی، ۱۳۸۷: ۲۵). اقتداری در این موضوع نوشته است: «سیاستگذاری از امور مدیریت سیاسی به شمار می‌رود که متکی به اصول مهم برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل است» (اقتداری، ۱۳۶۶: ۶۳).

عباس ملکی در تعریف سیاستگذاری می‌نویسد: «دانش سیاست‌گذاری دانش حل مسئله سیاست‌گذاران است. از این رو، به اقتضائات محیط سیاسی و اجتماعی که سیاست در آن تدبیر می‌شود، بستگی بسیار دارد» (ملکی، ۱۳۹۰: ۲۴). ترنر و هیوم سیاستگذاری را «مجموعه‌ای از تصمیمات، تعهدات و اقدامات» دانسته‌اند. (ترنر و هیوم، ۱۳۷۹: ۷۲).

دکتر توحیدی به طور خلاصه سیاست را مجموعه‌ای از بایددها، نبایدها، اولویت‌ها و توصیه‌هایی می‌داند که برای اداره خردمندان امور کشور یا سازمان توسط قدرت حاکم (دولت) یا مدیران کلان سازمان تعیین و به‌عنوان چراغ راهنمای راهبردها و برنامه‌ها برای رسیدن به اهداف به کار گرفته می‌شوند.

۳. قانونگذاری در گفتمان ولایت فقیه

نظام قانونگذاری و اداره امور آن در اندیشه ولایت فقیه جایگاه مهمی دارد و حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) و حضرت امام خامنه‌ای در موارد عدیده از بیانت و رهنمودهای خود به این مهم پرداخته‌اند. برخی از این موارد در اندیشه حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) به شرح زیر است:

برخورداری از قانون غنی الهی: «ما قانون غنی داریم؛ ما قانون الهی داریم. آنهایی که فرم غربی را بر فرم الهی ترجیح می دهند، اینها از اسلام اطلاع ندارند. آنهایی که می گویند نمی شود اسلام را در این زمان پیاده کرد، برای این [است] که اسلام را نشناخته اند؛ نمی فهمند چه می گویند» (صحیفه امام، ج ۶: ۲۷۴).

استقرار حکومت عدل الهی: «مقصد اسلام است. ما می خواهیم که اسلام حکومت کند در این مملکت؛ احکام اسلام در این مملکت جریان پیدا بکند... مقصد اصلی ملت ایران این است که جمهوری اسلامی تحقق پیدا کند، حکومت عدل الهی تحقق پیدا بکند... ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا بکند. دنبال اسم نیستیم که حالا که ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما. ما در هر یک از مواردی که هست، در تمام شئون مملکتیمان، می خواهیم که احکام اسلام باشد، قرآن حکومت کند بر ما؛ قانون اسلام بر ما حکومت کند؛ هیچ کس دیگر حکومت نداشته باشد» (همان، ج ۸: ۴۲-۴۳).

حاکمیت قانون اسلام: «در اسلام قانون است، همه تابع قانون اند و قانون هم قانون خداست. قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است. قانونی است که قرآن است؛ قرآن کریم است، و سنت رسول اکرم است. همه تابع او هستیم و همه باید روی آن میزان عمل بکنیم. فرقی مابین اشخاص نیست در قانون اسلام. فرقی مابین گروه ها نیست... اسلام یک قانون است و آن قانون الهی.. حکمفرما یک چیز است، و آن «حکم خدا»، همه اجرای آن حکم را می کنند. پیغمبر مجری احکام خداست. امام مجری احکام خداست. دولت اسلامی مجری احکام خداست. خودشان چیزی ندارند از خودشان. همه اجرای دستورهای خدای تبارک و تعالی را می کنند» (همان، ج ۹: ۴۲۵).

حاکمیت قانون اساسی: «معیار در اعمال نهادها قانون اساسی است و تخلف از آن برای هیچ کس چه متصدیان امور کشوری و لشکری و چه اشخاص عادی جایز نیست و متخلف به مردم معرفی می شود و مورد مؤاخذه قرار می گیرد. بنابراین، دخالت هر یک از مقامات در امور مربوط به مقامات دیگر بر خلاف قانون است و دخالت کننده به مردم معرفی می گردد» (همان، ج ۱۴: ۲۰۱).

قانونگذاری در راستای شرع و خواست مردم: «توجه به این معنا بکنید که مسائل را طوری طرح بکنید، مسائل را طوری رأی به آن بدهید که در شورای نگهبان رد نشود؛ یا اگر رد می شود در هر سالی یکی دو تایش رد بشود. اما شما از این ور یک ماه زحمت بکشید و صحبت بکنید و رد و ایراد بکنید و یک مسئله ای را تمام کنید، آنها بعد از چند روز بگویند اینها خلاف شرع است، با اسلام نمی سازد، یا با قانون اساسی مخالف است که آن هم از روی اسلام است، این وهن برای مجلس می آورد و این خوف برای ما ایجاد می کند که مبادا یک وقتی مردم خیال کنند که اینها تدین ندارند... جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم جلب نظر مردم را می کرد. دنبال این بود که مردم را جلب کند، دنبال این بود که مردم را توجه بدهد به حق. شما هم باید دنبال همین معنا باشید» (همان، ج ۱۷: ۲۵۱).

مقاومت تا استقرار اسلام و برقراری عدالت در جامعه: «ما هم تا آخر، زحمت ها و رنج های توطئه ابرقدرت ها را باید تحمل کنیم، ما موظف هستیم تا امر الهی را انجام دهیم. پس، از سختی ها نباید هراس داشته باشیم. آیا پیغمبر اکرم در مقابل سختی ها عقب نشینی کردند؟ آیا حاضر به تسلیم و سازش شدند؟ ما هم که کار انبیا و پیغمبر اکرم را انجام می دهیم باید بایستیم، باید مقاومت کنیم تا اسلام استقرار پیدا کند و عدالت برقرار شود و دست ظالم ها کوتاه گردد. این را باید دنبال کرد» (همان، ج ۱۹: ۵۵).

جامعیت مکتب اسلام: «اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری ها و چپاولگری ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان ها را به کمال مطلوب خود برساند. و مکتبی است که برخلاف مکتبهای غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است» (همان، ج ۲۱: ۴۰۲-۴۰۳).

الگوگیری ملت‌های اسلامی از ملت مجاهد ایران: «به ملت‌های اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومت‌های جائز خود را در صورتی که به خواست ملت‌ها که خواست ملت ایران است سر فرود نیاوردند، با تمام قدرت به جای خود بنشانید، که مایه بدبختی مسلمانان، حکومت‌های وابسته به شرق و غرب می‌باشند» (همان، ج ۲۱: ۴۱۲-۴۱۳).

خضوع نهادهای حکومتی در برابر احکام الهی: «وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده؛ و تحت تأثیر تبلیغات بی‌محتوای قطب ظالم چپ‌اولگر سرمایه داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید» (همان، ج ۲۱: ۴۴۵).

برخی از این موارد در اندیشه حضرت امام خامنه‌ای به قرار زیر است:

قصد نظام اسلامی به اجرای کامل احکام اسلامی: «نظام اسلامی، نظامی است که قصد اجرای تمام احکام و موازین اسلامی را به صورت کامل دارد. این نظام، مایه‌ی سعادت انسان و سربلندی ملت و کشور و مایه‌ی آبادی روی زمین و کشور و منطقه‌ی زیست و مایه‌ی شادی محیط زندگی و نیز استحکام خانواده و اصلاح روابط اجتماعی میان مردم و خلاصه مایه‌ی خوشبختی زندگی مادی و معنوی انسان‌هاست» (بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۹/۱۵).

دفاع از اصل درخشان ولایت فقیه و التزام به آن: «اصل ولایت فقیه و پیوستن همه‌ی راه‌های اصلی نظام به مرکز ولایت، نقطه‌ی درخشان نظام اسلامی، و تحقق آن، یادگار ارزنده و فراموش‌نشدنی حضرت امام خمینی (قدس سرّه) است» (پیام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸/۱۰/۱۷).

محور، اسلام است: «محور، اسلام است. ما باید برای اسلام حرکت کنیم. امروز ایران، مرکز اساسی اسلام است. ایران، ایران اسلامی است. مسلمانان دنیا از هر ملیت و قومیت، امروز چشم به ایران دارند» (بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه نیروی دریایی نوشهر، ۱۳۶۹/۲/۱۲).

استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی، فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی: «فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است... هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا، و محرومین، در

سرلوحه‌ی برنامه‌های آن نباشد، غیر اسلامی و منافقانه است» (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

اهمیت انسان‌سازی در انقلاب اسلامی: «حقیقتاً این واقعیتی است که برای یک انقلاب، انسان‌سازی از همه چیز مهم‌تر است. اگر انقلاب، انسان‌سازی نکند، هیچ کاری نکرده است. اگر کسی فکر بکند، دلیل این معنا واضح است. یعنی این حرف، واقعاً استدلال نمی‌خواهد؛ چون دنیا بدون انسان صالح، یک پدیده‌ی بی‌جان و کور و تاریک است. آن چیزی که به عالم خاکی جان می‌بخشد، ارزش می‌دهد، نور می‌دهد و معنا و مضمون به وجود می‌آورد، انسان است» (بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰).

ضرورت توجه مجلس به شعارهای اصولی انقلاب و خط امام: «مجلس انقلاب، در همه حال باید منادی شعارهای اصولی انقلاب و پاسدار راه و خطاً ترسیم‌شده‌ی معمار و بنیانگذار انقلاب، حضرت امام خمینی اعلی‌الله مقامه باشد» (پیام به مناسبت افتتاح چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۳/۷).

رعایت حقوق انسان در نظام اسلامی بیش از همه نظام‌های سیاسی: «در نظام اسلامی، حقوق انسان از همه جا بیشتر رعایت می‌شود و نظام جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار این را نشان داده است» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۲/۳/۱۴).

هدف نهایی انقلاب اسلامی در تأمین حیات طیبه: «انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد... ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن و خدانشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم ساری، ۱۳۷۴/۷/۲۲).

ملاک، قانون است: «ملاک، قانون است؛ سلیق افراد ملاک نیست. آن قانونی که در مجلس شورای اسلامی تصویب و در شورای نگهبان تأیید شده است، برای همه معتبر و حجت است؛ چه کسی که آن قانون را می‌پسندد، چه کسی که آن قانون را نمی‌پسندد. قانون تا قانون است، همه موظفند به آن عمل کنند» (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۸/۱۰/۱۸).

فرایند دشوار تحقق اهداف اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و دنیای اسلامی): «فرایند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است... قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است. قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه‌ی عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی - که از این‌ها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه‌ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما... بعد از این مرحله، مرحله‌ی تالُل و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله‌ی ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه می‌شویم... اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم - که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست - آن وقت مرحله‌ی بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. ببینید؛ فرایند تحقق نظام اسلامی، همین‌طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۹/۲۱).

قانون اساسی، منشور رسمی و قانونی انقلاب: «منشور واقعی انقلاب و خواست حقیقی مردم همان چیزی است که در قانون اساسی ما - بخصوص در اصول اول آن - منعکس شده است... منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما. همه‌ی چیزهایی که برای اداره‌ی امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۱/۹/۱).

ترجیح مصالح ملی بر مصالح منطقه‌ای در مجلس: «مسئله بعد، ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌ای است؛ این هم از چیزهایی است که به زبان خیلی آسان است، اما در عمل خیلی مشکل است. بنده هم یک وقت در مجلس بوده‌ام و می‌دانم نمایندگی چگونه است؛ با مجلس هم که سالهاست سروکار داریم. مصالح منطقه‌ای را بر مصالح کلی ترجیح ندهید» (بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲۷).

۴. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق مورد نظر از نوع کاربردی - توسعه‌ای به شمار می‌رود و تجزیه و تحلیل اطلاعات با بکارگیری روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. به این صورت که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد و مدارک علمی و تخصصی از جامعه آماری شامل مجموعه‌های در دسترس از اسناد و مدارک حاوی نظرات و رهنمودهای امام خمینی (ه) و امام خامنه‌ای که به صورت تمام شمار (با مراجعه به صحیفه امام و مجموعه حدیث ولایت و پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری) مورد بررسی قرار گرفت، با انتخاب مفاهیمی که با نظر خبرگان حوزه از ابعاد ارزشی و مدیریتی انتخاب و تحلیل محتوای رهنمودها و فرمایشات ولایت فقیه پرداخته شد و گزاره‌های مرتبط و فراوانی آنها تعیین و با تلفیق به مقوله‌ها، در نهایت قضایا روشن شدند. آنگاه ماهیت قضیه حاصل با مقایسه با تعاریف عملیاتی که برای هدف، دکترین و سیاست‌های حوزه در ابتدای امر انجام و در زیر می‌آیند، ارکان جهت ساز دسته بندی و احصا گردیدند.

تعریف عملیاتی اهداف نظام قانونگذاری: اهداف نظام قانونگذاری آن دسته از غایت‌های مورد انتظار برای برای بهبود و تعالی بخش قوانین وضع شده در فرآیند قانونگذاری کشور هستند که بر پایه گفت‌وگو ولایت فقیه انتخاب و مبنای برنامه ریزی و دیگر فعالیت‌های مدیریتی در این حوزه قرار می‌گیرند.

تعرف عملیاتی دکترین قانونگذاری: مجموعه اصول و قواعد بنیادین، معتبر و کاربردی مستخرج از گفت‌وگو ولایت فقیه در حوزه قانونگذاری هستند که رعایت آنها توسط کارگزاران و قانون‌گذاران حوزه، همسویی، هماهنگی و هم افزایی امور قانونگذاری و قوانین وضع شده را فراهم می‌کنند.

تعریف عملیاتی سیاست‌های نظام قانونگذاری: مجموعه‌ای از بایدها، نیایدها، اولویت‌ها و توصیه‌هایی است که از گفت‌وگو ولایت فقیه استخراج شده و رعایت آنها به اداره خردمندانه امور قانونگذاری و وضع قوانین بهینه منجر می‌گردد و اجرای آنها اهداف نظام قانونگذاری را محقق می‌سازد.

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

برای دستیابی به موضوع‌های مرتبط با قانونگذاری و عناصر و مولفه‌های کلیدی آن در منظومه فکری حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) و حضرت امام خامنه‌ای بر اساس شیوه تحلیل محتوا. ابتدا مفاهیمی کلیدی و برخاسته از محورهای مدیریتی و مبانی ارزشی نظام جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مدیریتی با نظر صاحب نظران انتخاب و سپس گزاره‌های مرتبط در جامعه اماری تحقیق مورد در بیانات و نظرات ولایت فقیه م جداسازی و فیش برداری شد و برابر آنچه در روش شناسی بیان گردید تحلیل گردید که نتایج به شرح جدول زیر می‌باشد برخی از مفاهیم انتخاب شده بدین قرار است:

حاکمیت الهی، قانون الهی، دین، اسلام، ولایت فقیه، هویت ملی، مردمسالاری، عدالت، مبارزه با ظلم، قانونمندی، قانونگذاری، مقررات گذاری، سیاستگذاری، اجرا، اسناد بالادستی، پژوهش قانونگذاری، فضایل اخلاقی، حق مداری، علم و دانش محوری، تعقل و عقلانیت، نظم و انتظام، قانون، قانون اساسی، رشد و تعالی، مصلحت، ارزش‌های انقلابی، حقوق عموم، منافع ملی، مشارکت، خانواده، قانون خوب، وحدت و اتحاد، نظارت، سیاست کلان، کارآمدی، قوه مقننه قوه مجریه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ..

جدول ۱ تحلیل محتوای گفتمان ولایت فقیه (اهداف، دکرترین‌ها و سیاست‌ها) اداره امور قانونگذاری

شماره	گزاره	فراوانی	مقوله	قضیه	ماهیت
۱	مکتب اسلام غنی و مترقی و از جامعیت برخوردار است	۱۷	جامعیت و مترقی بودن قوانین اسلام	اسلام‌گرایی و شریعت محوری در قانونگذاری	دکترین
	الگوی حکومت اسلامی، حکومت پیامبر اکرم (ص) است	۲۵	استقرار حکومت اسلامی و قرآنی	قانونگذاری در جهت بسط شریعت اسلام	هدف
	جمهوری اسلامی از حکومت علوی تبعیت می‌کند	۵۲	برتری شریعت و سیره علوی در اداره حکومت	توجه ویژه به موازین اسلام ناب محمدی (ص)	سیاست
	قانونگذاری باید بر مبنای دین اسلام باشد	۳۲	احیای تمدن اسلامی		
	ما به سیره اهل بیت (ع) تأسی می‌کنیم	۳۹			
	بنای تمدن اسلامی از آرمان‌های انقلاب و نظام است	۲۶			
هدف نهایی ما ایجاد تمدن	۵۴				

شماره	گزاره	فراوانی	مقوله	قضیه	ماهیت
	اسلامی مبتنی بر معنویت است پایه جهان بینی و نظام اسلامی توحید است حکومت اسلامی یعنی حکومت خدا بر مردم حکومت الهی یعنی حکومت قانون و مردمی جمهوری اسلامی یعنی حکومت خدا و قانون خدا حاکمیت و مالکیت از آن خداست جمهوری اسلامی از حکومت علوی تبعیت می کند	۷۳ ۴۶ ۲۷ ۲۸ ۱۷ ۱۵			
۲	هدف نظام اسلامی استقرار عدالت در جامعه است عدالت یکی از اهداف مهم حکومت نبوی و علوی است نتیجه اجرای احکام اسلام عدالت اجتماعی است عدالت باید مبنای همه سیاست‌ها و تصمیم گیری‌ها باشد	۲۸ ۸ ۷۶ ۴۵	ایجاد تعادل در امور برقراری عدالت	قانونگذاری برای برقراری و گسترش عدالت در جامعه	هدف
۳	حکومت اسلامی حکومت ارزش‌های معنوی است ارزش‌های انقلابی همان ارزش‌های اسلامی است ارزش‌های اسلامی و انقلابی باید تقویت و ترویج یابد	۲۸ ۱۶ ۴۴	توجه و عمل به شعارهای اصلی انقلاب حفظ و تقویت ارزش‌های اسلامی و انقلابی	قانونگذاری در جهت حفظ و تداوم ارزش‌های انقلاب	هدف
۴	ولایت فقیه اهمیت فراوانی در نظام اسلامی دارد نقش ولایت فقیه در حرکت کلی انقلاب و نظام اساسی است پشتیبانی از ولایت فقیه ضروری است خط امام که همان خط ولایت فقیه است را باید پیگیری کرد	۴۲ ۲۵ ۱۸ ۲۶	اهمیت ولایت فقیه در نظام همسویی واقعی و عملی با ولایت فقیه در قانونگذاری	ولایت مداری و اندیشه محوری ولایت فقیه در قانونگذاری تکیه بر اندیشه ولایت فقیه و حمایت از آن در وضع قوانین	دکترین سیاست

شماره	گزاره	فراوانی	مقوله	قضیه	ماهیت
۵	<p>هویت ملی ریشه در ارزش‌های اسلامی و ایرانی و انقلابی دارد</p> <p>اقتدار ملی و بین‌المللی در گرو حفظ هویت و عزت ملی است</p> <p>حفظ هویت و اقتدار ملی در گرو تعقیب خط امام است</p> <p>از هویت و عزت ملی پاسداری کنید</p>	<p>۱۴</p> <p>۱۶</p> <p>۲۷</p> <p>۳۳</p>	<p>احیای هویت اسلامی و ایرانی</p> <p>عزت مندی و اقتدار ملی</p>	<p>قانون‌گذاری در راستای توسعه عزت و اقتدار ملی</p>	هدف
۶	<p>حرکت تاریخ و جهان به سوی حق است</p> <p>باید در مسیر حق حرکت کنیم</p> <p>هدف حکومت اسلامی احقاق حق است</p> <p>حقیق و حق پذیر باشید</p>	<p>۱۶</p> <p>۲۸</p> <p>۲۳</p> <p>۳۱</p>	<p>محوریت حق</p> <p>احقاق حق</p>	<p>حق محوری در قانونگذاری</p>	دکترین
۷	<p>افزایش ثروت ملی از پایه‌های اقتصاد اسلامی است</p> <p>افزایش ثروت ملی از اهداف نظام اسلامی است</p> <p>اقتصاد بدون نفت را در اولویت قرار دهید</p> <p>از اسراف جلوگیری و صرفه جویی کنید</p> <p>اصلاح الگوی مصرف ضروری است</p>	<p>۱۲</p> <p>۲۹</p> <p>۱۱</p> <p>۳۷</p> <p>۵۶</p>	<p>اقتصاد بدون نفت</p> <p>اصلاح الگوی مصرف</p> <p>پاسداشت ثروت ملی</p>	<p>قانونگذاری برای حفظ و توسعه ثروت ملی</p>	هدف
۸	<p>اخلاق از شاخص‌های حکومت نبوی و علوی است</p> <p>ایجاد و رشد فضایل اخلاقی در جامعه از اهداف و وظایف نظام اسلامی است</p> <p>ارزش‌های اخلاقی در سیاستگذاری و قانونگذاری باید رعایت شود</p> <p>اخلاق از پایه‌های اساسی پیشرفت همه جانبه است</p>	<p>۲۹</p> <p>۴۶</p> <p>۲۱</p> <p>۱۶</p>	<p>ارزش‌مداری و اخلاق محوری</p> <p>تعمیق و توسعه اخلاق</p> <p>رشد معنویت و فضیلت</p>	<p>قانونگذاری در جهت انسان‌سازی و حفظ و توسعه هنجارها و سرمایه‌های اجتماعی و فضایل اخلاقی</p> <p>قانونگذاری با رویکرد خودکنترلی و بها دادن به فضایل انسانی</p>	هدف

شماره	گزاره	فراوانی	مقوله	قضیه	ماهیت
	زمینه سازی برای رشد و کمال انسان ها از وظایف نظام اسلامی است	۷			سیاست
۹	آزادی از آرمان های انقلاب و نظام است	۷۶	آزادی و امنیت	قانون گذاری به منظور تأمین	هدف
	ملت باید احساس امنیت و آرامش نماید	۵۹	آرامش و رفاه حفظ کرامت انسان	حقوق اساسی و مطالبات مشروع مردم (آزادی توأم با مسئولیت، امنیت، رفاه و...)	
	همه طبقات جامعه باید از رفاه برخوردار شوند	۴۸			
	الگوی ما الگوی پیشرفت و توسعه و رفاه است	۱۵			
	به کرامت انسان ها احترام بگذارید	۷			
۱۰	اسلام و تشیع طرفدار مستضعفان است	۲۱	حمایت از محرومان و مستضعفان	قانون گذاری در جهت کمک به رفع فقر و حمایت از محرومان جامعه و جلوگیری از ثروت اندوزی نامشروع، فساد و تبعیض	هدف
	رسیدگی به محرومان و مستضعفان در رأس برنامه ها قرار گیرد	۸۹	مبارزه با فقر و فساد و تبعیض		
	باید فقر را از جامعه پاک کنیم	۴۲			
	ثروت اندوزی نامشروع فساد است	۲۶			
	باید با فقر و فساد و تبعیض مبارزه شود	۱۱			
۱۱	هدف نظام اسلامی استقرار عدالت در جامعه است	۲۸	استقرار عدالت	عدالت محوری در قانون گذاری	دکترین
	عدالت یکی از اهداف مهم حکومت نبوی و علوی است	۸	عدالت همه جانبه عدالت اجتماعی		
	نتیجه اجرای احکام اسلام عدالت اجتماعی است	۷۶			
	عدالت باید مبنای همه سیاست ها و تصمیم گیری ها باشد	۱۶۲			
		۴۵			

شماره	گزاره	فراوانی	مقوله	قضیه	ماهیت
۱۲	باید وابستگی به شرق و غرب را قطع کنیم	۴۵	خوداتکایی	قانونگذاری در جهت رسیدن به خود کفایی نسبی و مطلوب و خود اتکائی در اقسام راهبردی	هدف
	در مواد غذایی اصلی نباید به خارج وابسته باشیم	۱۳	خودکفایی		
	خوداتکایی و خودکفایی کامل و استقلال حقیقی و همه جانبه و از آرمان‌های انقلاب و نظام است	۱۹	اقتصاد مقاومتی		
	مهم‌ترین اصل اقتصاد مقاومتی حمایت از تولید داخلی است	۲۳	عدم وابستگی در اقسام راهبردی		
۱۳	رشد و تکامل و پیشرفت در گرو نظام الهی و اسلامی است	۳۳	رشد و پیشرفت	قانون گذاری برای کمک به پیشرفت همه جانبه کشور	هدف
	پیشرفت در گرو پافشاری بر ارزش‌ها و اهداف است	۱۹	الگوی اسلامی-ایرانی		
	مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه و بومی است	۲۸	پیشرفت		
	توجه به پیشرفت و عدالت باید به صورت توأمان صورت گیرد	۱۱			
	طراحی و اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ضروری است	۱۷			
	پیشرفت مورد نظر ما پیشرفتی برای کل بشریت است	۸			
۱۴	مردمسالاری دینی الگوی نوین و قابل عرضه حکومتداری است	۲۱	نظام مردمسالاری دینی	بسط و جاری شدن قوانین منطبق با شریعت و ارائه الگوی نوین قانون گذاری مبتنی بر اسلام ناب محمدی (ص) به جهان	هدف
	تمدن اسلامی ظرفیت جهانی شدن دارد	۱۱	نظام ارزشی و مدرن حکومتی		
	انقلاب و نظام توان الگو شدن و الگوسازی برای جهانیان را دارد	۱۷			
	ایجاد تمدن اسلامی از آرمان‌های انقلاب و نظام است	۹			
۱۵	اسلام دین عقل و تعقل است	۱۲	عقل و تعقل در امور	عقلانیت و حکمت در قانونگذاری	
	محاسبات انقلاب و نظام بر اساس منطق عقلانی است	۸	استفاده از علم و دانش در امور حکمت داشتن و خرد ورزی		

شماره	گزاره	فراوانی	مقوله	قضیه	ماهیت
	باید با عقل و علم و تخصص برای تحقق آرمان‌های نظام اسلامی تلاش کنیم کارایی نظام را با تکیه بر علم و عقل و عزم افزایش دهید حکومت و خردگرایی از شاخصه‌های دولت مطلوب است	۱۴ ۹ ۵			
۱۶	همه جامعه باید نظم داشته باشد مراتب و سلسله مراتب را حفظ کنید ایجاد و اهتمام به نظم منتهی بر قانون در جامعه ضروری است مبنای کار انقلاب و نظام بر نظم و قانون است ترویج فرهنگ نظم و قانون ضروری است	۱۵ ۶ ۱۰ ۱۷ ۹	اهمیت نظم و قانون اهمیت دادن به نظام سلسله-مراتبی مبتنی بر قانون	قانونگذاری برای ایجاد نظم در جامعه	دکترین هدف
۱۷	ما مکلف به مبارزه با ظلم و حمایت از مظلومیم هم ظلم کردن ممنوع است و هم تسلیم ظلم شدن مبارزه با استکبار از اهداف انقلاب و نظام اسلامی است آمریکا و رژیم صهیونیستی مظهر استکبار جهانی است در مقابل قدرت‌های جهانی مرعوب نمی شویم	۸۳ ۳۵ ۷۸ ۴۱ ۲۶	مبارزه با استکبار مبارزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی حمایت از مظلومان	استکبارستیزی با رویکرد حمایت از مظلومان در قانونگذاری	دکترین
۱۸	قانون اساسی نتیجه مهم نظام جمهوری اسلامی است حاکمیت در کشور با قانون اساسی است نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر قانون اساسی است قانون اساسی محور انجام وظیفه مسئولان و دولتمردان است	۱۴ ۲۳ ۲۹ ۳۳	قانون اساسی (میناق ملی) لزوم تبعیت و همسویی با قانون اساسی سیاستگذاری و قانونگذاری بر اساس قانون اساسی	همسویی و تبعیت از قانون اساسی در قانونگذاری اهتمام به پیاده سازی قانون اساسی و وضع قوانین عادی همسو با آن	دکترین سیاست

شماره	گزاره	فراوانی	مقوله	قضیه	ماهیت
	سیاستگذاری و قانونگذاری باید در چارچوب قانون اساسی باشد از همه ظرفیت قانون اساسی استفاده شود	۱۱ ۹			
۱۹	علم و دانش از عناصر اقتدار ملی است	۱۵	استفاده از دانش و تجربه بشری	دانش محوری منطبق با شرع در قانونگذاری	دکترین سیاست
	استفاده از فکر و علم و تخصص و تجربه بشری در کارها ضروری است	۲۳	استفاده از نظرات کارشناسی	حداکثر استفاده از دانش بشری و کارشناسی	
	از نظرات صاحب نظران و متخصصان استفاده کنید	۱۱			
۲۰	انقلاب و نظام رو به تعالی و تکامل است	۴۷	حرکت رو به رشد انقلاب و نظام	تعالی محوری در قانونگذاری در جهت توسعه انقلاب	دکترین
	ایجاد جامعه و تمدن اسلامی از آرمان‌های مهم انقلاب و نظام است	۲۶	احیای تمدن اسلامی الگوسازی و مرجع بودن	اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و تمدن اسلامی	
	هدف ما ساختن کشوری الگو در جهان است	۱۹			
	هدف نهایی ما ایجاد تمدن اسلامی مبتنی بر معنویت است	۳۱			
۲۱	مصلحت اندیشی یکی از حقایق و مسلمات و واضحات اسلامی است	۱۷	اهمیت و ضرورت مصلحت مصلحت عامه مصلحت انقلاب و نظام	مصلحت گرایی انقلاب، نظام و مردم در قانونگذاری	دکترین
	باید در تصمیم گیری‌ها به مصلحت انقلاب و نظام و مردم توجه شود	۳۲			
	باید مصلحت عامه را بر خواص ترجیح داد	۲۴			
	مصلحت کشور و مردم نباید فدای هیچ چیز شود	۱۶			
	رعایت اصل عزت و حکمت و مصلحت در اداره کشور ضروری است	۷			

شماره	گزاره	فراوانی	مقوله	قضیه	ماهیت
۲۲	قوای سه گانه و مسئولان منافع ملی را در نظر بگیرند	۱۹	تأمین منافع ملی	همسویی با منافع ملی در قانون گذاری	دکترین
	ترجیح منافع ملی بر منافع فردی ضروری است	۲۷	رعایت مصالح نظام	اجتناب از منافع فردی، گروهی و جناحی و اولویت دادن به منافع انقلاب، نظام و مردم در وضع قوانین	سیاست
	باید در تصمیم گیری‌ها به مصلحت انقلاب و نظام و مردم توجه شود	۱۲	باید به مصالح ملت توجه کرد		
	قوانین باید تأمین کننده منافع ملی باشند	۱۶			
	در وضع قوانین باید مصلحت نظام رعایت شود	۱۹			
۹	باید به مصالح ملت توجه کرد				
۲۳	اسلام نگاه متعالی به خانواده دارد	۱۴	اهمیت نهاد خانواده	جهتگیری قانونگذاری بر تقویت خانواده	سیاست
	خانواده از موضوعات مهم کشور است	۳۱	تقویت جایگاه خانواده		
	زنان نقش مهمی در خانواده دارند	۱۹			
	باید نهاد خانواده تقویت شود	۴۶			
۲۴	مشارکت مردم و گسترش آن اهمیت دارد	۳۶	حضور مردم در صحنه	قانونگذاری با رویکرد اولویت دادن به برادری اسلامی و مشارکت مردمی در اداره کشور	سیاست
	حضور مردم در صحنه رمز پیروزی است	۱۷	گسترش مشارکت عمومی		
	نظام با حضور مردم در صحنه معنا میابد	۱۱			
۲۵	قانون باید دارای این ویژگی‌ها باشد: واقع گرایی؛ جامعیت و عدم تعارض و تضاد؛ کاملیت و رافع خلاءهای قانونی؛ ماندگاری؛ قابلیت اجرا؛ ترجیح اولویت‌های موضوعی، زمانی و مکانی؛ کارشناسی شده و بهره گیری	۱۲	قانون خوب قانون ماندگار قانون جامع قانون انعطاف پذیر قانون صریح و شفاف قانون غیرقابل تأویل و تفسیر قانون رافع نیازهای مردم	رعایت ویژگی‌های یک قانون خوب و کارشناسی شده (جامعیت، کاملیت، ماندگاری، سادگی، انعطاف پذیری، شفافیت، غیرقابل تأویل و تفسیر بودن، روزآمدی، رافع نیازهای مردم بودن، بدون تضاد و تناقض و مفید جامعه بودن) در وضع قوانین	

شماره	گزاره	فراوانی	مقوله	قضیه	ماهیت
	شده از خبرگی و خرد جمعی؛ صریح، شفاف و غیر قابل تأویل و تفسیر؛ مفید برای جامعه؛ گره گشا و ناظر بر مشکلات مردم؛ انعطاف پذیر در شرایط گوناگون؛ ساده، روان، شفاف، روزآمد، ماندگار، معطوف به نیازهای مردم و منافع عمومی و تأمین کننده منافع ملی، ترجیح اولویتها، نبود تناقض و تکرار و بهره مند از خرد جمعی و کارشناسی کارآمد و اثر بخش و توسعه دهنده بهره وری در کشور؛ دارای نگاه بلند				
۲۶	وحدت کلمه را حفظ کنید	۱۶	وحدت کلمه	تکیه بر وحدت کلمه و انسجام ملی و استمرار انقلاب در قانونگذاری	سیاست
	وحدت کلمه رمز پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی است	۵	انسجام ملی		
	وحدت کلمه از اصول خط امام است	۷۳	استمرار انقلاب		
	اتحاد ملی ضروری است	۲۹			
۲۷	نظارت مردم بر مسئولان ضروری است	۱۳	نظارت دقیق و مستمر	اهمیت دادن به نظارت مستمر، کارآمد و اثر بخش بر اجرای قوانین	سیاست
	قانونگذاری و نظارت دو وظیفه مهم مجلس است	۱	نظارت کارمد و اثربخش		
	نظارت بر دولت بر عهده مجلس است	۲۴			
		۵۸			
۲۸	به آرمانها و واقعیات باید به صورت توأمان نگاه کرد	۷	توجه به آرمانها توجه به واقعیات	آرمان گرایی واقع بینانه در قانونگذاری	سیاست
	توجه به سیاستهای کلی نظام ضروری است	۱۹	رعایت سیاستهای کلان	همسویی قوانین با اسناد بالادستی	سیاست
۲۹	سند چشم انداز نقشه راه کشور است	۱۰	توجه به سند چشم انداز		

شماره	گزاره	فراوانی	مقوله	قضیه	ماهیت
	قوانین و برنامه‌ها باید با سیاست‌ها و چشم انداز همسو باشد قوای سه گانه به سند چشم انداز توجه و برای حصول به اهداف آن همکاری کنند	۱۳ ۹			
۳۰	همه در برابر قانون برابرند قانون باید رعایت شود مهم ترین قانون، قانون اساسی است	۱۶ ۲۵ ۷	فصل الخطاب بودن قانون و ضرورت توجه به آن	اجتناب از وضع قوانین و مقررات دور از منطق و غیرقابل اجرا (که زمینه ساز قانون گریزی شود)	سیاست
۳۱	اسلام هم به نیازهای مادی مردم توجه دارد و هم به نیازهای معنوی در نظام اسلامی رفع نیازهای مادی و معنوی مردم هر دو مهم است	۱۱ ۸	رفع نیازهای مادی و معنوی مردم	توجه توأمان به نیازهای مادی و معنوی مردم	سیاست

۶. نتیجه گیری و پیشنهاد

۶-۱. نتیجه گیری

بر اساس تحلیل محتوای انجام شده، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارکان جهت ساز نظام قانونگذاری کشور بر پایه گفتمان ولایت فقیه در سه محور اهداف، دکترین‌ها و سیاست‌ها به ترتیب جدول زیر است:

جدول ۲ ارکان جهت ساز نظام قانونگذاری

شماره	اهداف	دکترین ها	سیاست ها
۱	بسط شریعت اسلام	اسلام گرایی و شریعت محوری	توجه ویژه به موازین اسلام ناب محمدی (ص)
۲	برقراری و گسترش عدالت در جامعه	ولایت مداری و اندیشه محوری ولایت فقیه	تکیه بر اندیشه ولایت فقیه و حمایت از آن در وضع قوانین
۳	حفظ و تداوم ارزش‌های انقلاب	حق محوری	اهتمام به پیاده سازی قانون اساسی و وضع قوانین عادی همسو با آن
۴	توسعه عزت و اقتدار ملی	عدالت محوری	همسویی و پشتیبانی قوانین از منافع ملی و مصالح نظام
۵	حفظ و توسعه ثروت ملی	عقلانیت و حکمت	حداکثر استفاده از دانش بشری و کارشناسی
۶	انسان سازی و حفظ و توسعه هنجارها و سرمایه‌های اجتماعی و فضایل اخلاقی	همسویی با منافع ملی	جهت گیری بر تقویت نهادخانواده
۷	تأمین حقوق اساسی و مطالبات مشروع مردم (آزادی توأم با مسئولیت، امنیت، رفاه و ..)	استکبارستیزی با رویکرد حمایت از مظلومان	قانونگذاری بارویکرده اولویت دادن برادری اسلامی و مشارکت مردمی در اداره کشور
۸	کمک به رفع فقر و حمایت از محرومان جامعه و جلوگیری از ثروت اندوزی نامشروع و فساد و تبعیض	همسویی و تبعیت از قانون اساسی	اجتناب از منافع فردی، گروهی و جناحی و اولویت دادن به منافع انقلاب، نظام و مردم در وضع قوانین
۹	ایجاد نظم و انضباط در جامعه	دانش محوری منطبق بر شرع	رعایت ویژگی‌های قانون خوب (مانند جامعیت، کاملیت، ماندگاری، سادگی، انعطاف پذیری، شفافیت، غیرقابل تأویل و تفسیربودن، روزآمدی، رافع نیازهای مردم بودن، بدون تضاد و تناقض و مفید جامعه بودن)
۱۰	رسیدن به خودکفایی نسبی و مطلوب و خودتکمایی در اقلام راهبردی	تعالی محوری و جهت گیری برای ایجاد و توسعه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و تمدن اسلامی	تکیه بر وحدت کلمه و انسجام ملی و استمرار انقلاب

شماره	اهداف	دکترین ها	سیاست ها
۱۱	کمک به پیشرفت همه جانبه کشور	مصلحت گرایی انقلاب، نظام و مردم	قانونگذاری با رویکرد خودکترلی و بها دادن به فضایل انسانی
۱۲	بسط و جاری شدن قوانین منطبق با شریعت و ارائه الگوی نوین قانونگذاری مبتنی بر اسلام ناب محمدی (ص) به جهان		اهمیت دادن به نظارت مستمر و کارآمد و اثربخش بر اجرای قوانین
۱۳			آرمان گرایی واقع گرایانه در قانونگذاری
۱۴			همسویی قوانین با اسناد بالادستی
۱۵			اجتناب از وضع قوانین دور از منطق و غیرقابل اجرا (که زمینه ساز قانون گریزی می شود)
۱۶			توجه توأمان به نیازهای مادی و معنوی مردم

۲-۶. پیشنهاد

پیشنهاد می شود نتایج این تحقیق در اصلاح نظام قانونگذاری کشور به کار گرفته شود تا قانونگذاری در کشور بهبود یافته و زمینه های قانون گرایی در جامعه تقویت گردد. همچنین برنامه ریزی برای قانونگذاری با ارکان جهت ساز پیشنهادی انجام شود و نتایج در پایان یک دوره اقلونگذاری ارزیابی و در مواردی که به بهبود قوانین و اداره کشور منجر می گردد، تجربیات تکرار و نهادینه شوند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- آقابخش، علی اکبر و مینو افشاری راد (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- اشتریان، کیومرث، (۱۳۸۶)، سیاستگذاری عمومی ایران، تهران، نشر میزان.
- الوانی، مهدی (۱۳۸۶)، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی.
- انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم، ۸ ج.
- ایران نژاد پاریزی، مهدی و پرویز ساسان گهر (۱۳۸۶)، سازمان و مدیریت: از تئوری تا -عمل، مؤسسه بانکداری ایران، تهران، بانک مرکزی.
- ترنر، مارک و دیوید هیوم (۱۳۷۹)، حکومت داری، مدیریت و توسعه، ترجمه عباس منوریان، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- توحیدی، ارسطو (۱۳۸۹)، «اخلاقیت محوربنیادین تصمیم گیری راهبردی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴.
- ثروتی، محسن و همکار (۱۳۸۹)، راهنمای تدوین دکترین، انتشارات دبیرخانه هیئت عالی تجدید نظر در آئین نامه های نیروهای مسلح ستاد کل نیروهای مسلح، تهران.
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰)، مدیریت راهبردی، تهران، انتشارات سمت.
- ذاکری، بتول، روش های ساخت یافته تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم های اطلاعاتی، سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ۱۳۷۹.
- داوری، دردانه و محمدحسن شانه ساززاده (۱۳۸۰)، مدیریت استراتژیک از تئوری تا عمل، چاپ اول، تهران، انتشارات آتنا.
- دفت، ریچارد ال (۱۳۸۰)، تئوری و طراحی سازمان، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۲ جلد.
- دلاوری، رضا (۱۳۸۷)، فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین الملل، چاپ اول، تهران، انتشارات دلاوری.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۵ ج.
- دیوید، فردر (۱۳۷۹)، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، چاپ هفتم، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگ.
- راسخ، محمد (۱۳۸۴)، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- رضائیان، علی (۱۳۸۴)، مبانی رفتار سازمانی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
- ره پیک، حسین (۱۳۸۳)، «هدف و هدف گذاری در برنامه ریزی ملی و راهبردی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۴.
- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۴)، مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- شیرخانی، علی (۱۳۸۹)، «قانون و قانونگذاری در منظومه فکری امام خمینی (ره)»، مجله مطالعات سیاسی (سال دوم)، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۹.

- صلیبا، جمیل (۱۳۶۶)، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت، ج ۱.
- فلورز، ایمری (۱۳۹۰)، «در جست و جوی فلسفه قانونگذاری: مشروطه خواهی، قانون‌گرایی» در: حسن وکیلان، گفتارهایی در قانون و قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- علی احمدی، علیرضا و ایرج تاج‌الدین و مهدی فتح‌اله (۱۳۸۷)، نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک، تهران، انتشارات تولید دانش.
- علی بابایی، غلامرضا و بهمن آقایی (۱۳۶۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، شرکت نشر ویس.
- عیسی نیا، رضا (۱۳۸۷)، درآمدی بر دکترین‌های مرتبط با فلسفه مهدویت در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۷.
- فرشچی، علیرضا (۱۳۸۵)، «دکترین قابلیت مینا»، مجله نگین ایران (مطالعات جنگ ایران و عراق) شماره ۱۹، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- قرائی مقدم، امان‌اله (۱۳۸۲)، مدیریت آموزشی، تهران، انتشارات ایجد.
- کالینز، جان (۱۳۸۳)، استراتژی بزرگ، ترجمه کوروش بایندر، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کریم زاده، مجید، (۱۳۸۲) «هدفگذاری»، تهران، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۳۲.
- کمپبل، تام (۱۳۸۶)، «تقنین حقوق بشر»، ترجمه سمیه عالی، مجلس و پژوهش، ش ۵۶.
- معین، محمد (۱۳۷۰)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ملکی، عباس (۱۳۹۰)، سیاستگذاری انرژی، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
- منصورنژاد، محمدرضا (۱۳۸۴)، «مهندسی گذار از نظر به عمل (فرایند مطلوب گذار از نظر به عمل)»، تهران، ماهنامه توسعه مدیریت، شماره ۷۰، اسفند ۱۳۸۴.

ب. انگلیسی

- Sheffield, Gray (۲۰۰۵), 'Poctrine and Command in the Brilish Army', A Historical Overview, Army Doctrine Publication land Operations, DGD